

## یادداشت

!ساختار استبدادی فاسد ولایی عامل اصلی فجایع و بحران هاست

صادق



فرو ریزی برج متروپل در خیابان امیری آبادان و فاجعه‌ای که در اثر آن بوقوع پیوست یک حادثه معمولی که ممکن است در جاهای دیگری هم بوقوع بپیوندد نبود. نماد و نتیجه یک ساختار حکومتی استبدادی، فاسد و رانتهی است. بهمین خاطر است که با واکنش‌های گسترده‌ی مردمی نه تنها در آبادان و خوزستان بل که در سراسر کشور روبرو شد و تبدیل به یک چالش سیاسی جدی و هول آور برای رژیم شد.

این اتفاق اگر در کشور دیگری رخ می داد ممکن نبود با چنین عکس العمل اجتماعی وسیعی مواجه شود و این همه عکس العمل ایجاد کند.

هر چند که خامنه‌ای و رئیسی و دیگر کارگزاران اصلی حکومت با سکوت و تظاهر به بی تفاوتی در روزهای نخست فاجعه سعی نمودند آن را کوچک و کم اهمیت جلوه دهند و حتی تا سه روز بعد از فاجعه و به رغم کشته شدن ده‌ها نفر انسان که در واقع قربانی همین سیستم مافیایی تحت رهبری وی شدند، حاضر نشدند یک پیام تسلیت تشریفاتی بفرستند، اما اثر اعتراضات توده‌ای وسیع و موج همبستگی کم سابقه‌ای که با خانواده‌ها قربانیان فاجعه و مردم آبادان صورت گرفت سه روز بعد او را ناگزیز به دادن پیام تسلیت کرد. دو روز بعد نیز دولت به همان دلایل یک روز عزای ملی اعلام کرد بلکه به وسیله آن خشم و اعتراض مردم را فرو نشاند.

میتوان گفت تا به اینجا فروریزی برج حسین عبدالباقی تأثیرات زیادی از خود در جامعه و حکومت بر جای نهاده است. به اعتراضات اجتماعی دامن زده است، همبستگی در میان مردم را برجسته و تقویت نموده، ریزش نیرو در پایگاه اجتماعی کوچک رژیم بوجود آورده، اختلاف در میان جریانات حکومتی را تشدید کرده و باور به اصلاح ناپذیر بودن حکومت را فراگیرتر از پیش کرده است.

در این میان عناصر متعلق به جناح‌های حکومتی که طی ۴۳ گذشته به تناوب دولت را در اختیار داشته‌اند به محض اینکه بحران یا فاجعه‌ای رخ می نماید که منجر به اعتراض و خیزش مردم می شود هر یک تقصیر را به گردن دیگری می اندازد و بازار کی بود، کی بود، من نبودم گرم می شود.



حال بر سر اینکه کدام استاندار حسین عبدالباقی را تحت حمایت رانتی قرار داده و به او خلاف مقررات جواز ساخت برج و بارو داده است بین استاندار خوزستان در دوره دولت روحانی و معاون اجرایی ریاست جمهوری کنونی که مقامات دولت روحانی را حامی برج متروپل و بانی فروریختن آن معرفی کرده کشمکش بی‌پایان وجود آمده است و هر دو طرف انگشت اتهام را بسوی هم دیگر نشانه رفته‌اند. عبدالباقی‌ها فرزندان خلف نظام استبدادی فاسد ولایی هستند و در این ساختار فارغ از اینکه چه کسی استاندار یا رئیس جمهور باشد خلق خواهند شد. اتفاقاً نظام ولایی به چنین کارکردهایی نیاز دارد و به دلیل نیاز اش به عبدالباقی‌هاست که به آنان میدان می‌دهد تا رشد کنند و به غیر از برج و پاساژ برایشان پاسگاه و زندان هم بسازند. چند دهسال است که جناب باقی مشغول امور شهرسازی و زمین خواری بوده است. چند نماینده، استاندار، فرماندار، شهردار و... از هر دو جناح حکومت آمده و رفته‌اند، چطور ممکن است از خلافتکاری این تبهکار "خیر" و عزیز دل کارگزاران محلی رژیم از فرمانده سپاه شهر گرفته تا رئیس قوه قضاییه و امام جمعه بی‌خبر بوده باشند. چرا حالا هم که گند کارشان درآمده خبرنگاری را که در مورد فساد و خلافتکاری وی از قبل اطلاع رسانی کرده است با خشونت از میان مردم می‌دزد و به ناکجا آباد می‌برند تا از او انتقام بگیرند؟ آیا غیر از این است که خود مامورانی که خبرنگار را دزدیده‌اند و آنهایی که فرمان سرکوب مردم معترض را می‌دهند، حامیان عبدالباقی‌ها و سرمایه‌داران رانتخوار و فاسد همانند عبدالباقی هستند. حالا در چنین فضایی چه فرق می‌کند چه کسی استاندار باشد؟

آقای استاندار اسبق نظام نیز از اسنادی که تا کنون منتشر شده مشخص می‌شود که از حامیان عبدالباقی بوده است و به صرف اینکه جواز برج را کس دیگری بعد از پایان مسئولیت وی داده است او را تبرئه نمی‌کند.

وانگهی بعد از این فاجعه فضایی در اثر اعتراضات مردم بوجود آمد که روزنامه نگاری ریسک و جسارت کرد و از ۱۳۰ برج غیر استاندارد که در تهران بواسطه مناسبات رانتی ساخته شده خبر داد.

این همه برج روشن است که در دوره تسلط یک جناح بر شهرداری و دولت جواز نگرفته و ساخته نشده و جواز پایان کار نگرفته‌اند.

مردم اکنون بیشتر از هر زمان می‌دانند که ایراد و سبب ساز فجایع و بحرانهای همه روزه‌ای که در گوشه و کنار کشور با آن مواجه میشوند، بخاطر فاسد بودن این شهردار و آن فرماندار و استاندار یا دولت نیست که با تغییر و مجازات آنان و گماردن افراد توانا و درستکار بشود بحرانها را پشت سر نهاد و از فجایع بیشتر اجتناب کرد. درک می‌کنند که اشکال اصلی خود سیستم است که مرکز و آفریننده فساد و آلودگی و بحران و فجایع است.

اصولاً افراد درستکار و توانا را به درون سیستم راه نمی‌دهند زیرا که گردانندگان اصلی حکومت ولایی خود ام الفساد هستند. در چنین ساختاری بفرص اینکه کسی بتواند رخنه کند یا بعد از مدتی آلوده و به جزئی از سیستم تبدیل می‌شود و یا به نحوی دفع می‌شود.

کم نبوده و نیستند افراد درستکار و توانایی که خارج از سیستم حاکم قرار داشته و تلاش کرده‌اند از بیرون با طرح اشتباهات و خیانت‌هایی که در درون ساختار مشاهده کرده‌اند و ارائه رهنمود و گوشزد کردن عواقب رفتار و سیاستهای حاکم سیستم را اصلاح کنند که ره بجایی نبرده و خیلی‌هایشان را نیز به زندان و انواع مجازاتها محکوم کرده‌اند.

بنا بر این بساط سیستم فاسد و استبدادی و قرون وسطایی و غیر قابل اصلاح فقهاتی را که سر منشاء فجایع و جنایات و اکثر بحرانها و عقب ماندگی و فقر و بی‌عدالتی است باید برچید و سیستمی دمکراتیک و مردمی و پلورال و غیر موروثی و پاسخگو، را که منتخب مردم باشد بر جای آن نشانند

**از مبارزه کارگران و کارکنان دولت و سایر مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق حمایت کنیم!**

**متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمت‌ها مبارزه کنیم!**

**نه به حذف سوبسیدها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی!**

برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریهها و تجربیات عملی بخش ششم

فاضل کیوب



نقشی کلیدی در اجرای سیاستهای عملی ناظر بر بازار کار در سوئد (AMS) هیئت ملی بازار کار ایفا کرده است. این هیئت یک نهاد سه جانبه (اکثریت کارگران، کارفرمایان و دولت) است که بودجه سالانه آن از طریق تخصیص بودجه توسط پارلمان تأمین می شود. هیئت ملی بازار کار دو بار در ماه برای تصمیم گیری در مورد مبادلات نیروی کار، برنامه های آموزشی و یارانه دستمزدی کارگرانی که ظرف شش ماه استخدام نشده اند، تشکیل جلسه می دهد. کارگران بیکار تنها در صورتی که تمامی گزینه های استخدامی و آموزشی "نه کشیده باشند"، مشمول دریافت مزایای بیکاری خواهند شد، و پس از به سرآمدن دوره این مزایا، کارگر بیکار طبق قانون حق دارد تا شش ماه در استخدام دولت، که به عنوان آخرین کارفرما عمل می کند، کار کند.

## مدل سوئدی اشتغال کامل - ادامه

اتحادیه های کارگری فوق العاده قدرتمند برای اشتغال کامل بدون تورم و تمایز دستمزدها بر پایه مهارتها و تحصیلات به جای سودآوری این یا آن شاخه از صنعت، فشار می آوردند. از این رو، توزیع عادلانه درآمد یک پایه اصلی مدل سوئدی بود. محدودیت دستمزد از طرف اتحادیه های کارگری با سیستم خاصی جبران می شد. این سیستم حاوی مالیات بر سود بود و از درآمدها برای تأمین مالی انباشت سرمایه تحت کنترل کارگران استفاده می کرد. کارفرمایان سوئدی در دهه ۱۹۵۰ ابتکار عمل را در چانه زنی متمرکز بر سر دستمزدها در دست گرفتند. هدف نهائی این ابتکار



حصول به توافق بر سر محدودیت دستمزدها و "تعهد صلح آمیز"، به معنای کار بدون اعتصاب، بود. بنابراین، یکی از ویژگی‌های اساسی مدل تضمین اشتغال سوئدی، ابتنای آن بر وحدت منافع بود که از طریق محدودیت دستمزد غیرمتمرکز و چانه زنی متمرکز بر سر دستمزد ابراز می‌شد.

هیئت ملی بازار کار (AMS) نقشی کلیدی در اجرای سیاستهای عملی ناظر بر بازار کار در سوئد ایفا کرده است. این هیئت یک نهاد سه جانبه (اکثریت کارگران، کارفرمایان و دولت) است که بودجه سالانه آن از طریق تخصیص بودجه توسط پارلمان تأمین می‌شود. هیئت ملی بازار کار دو بار در ماه برای تصمیم‌گیری در مورد مبادلات نیروی کار، برنامه‌های آموزشی و یارانه دستمزدی کارگرانی که طرف شش ماه استخدام نشده‌اند، تشکیل جلسه می‌دهد. کارگران بیکار تنها در صورتی که تمامی گزینه‌های استخدامی و آموزشی "تک‌شیده باشند"، مشمول دریافت مزایای بیکاری خواهند شد، و پس از به سرآمدن دوره این مزایا، کارگر بیکار طبق قانون حق دارد تا شش ماه در استخدام دولت، که به عنوان آخرین کارفرما عمل می‌کند، کار کند.

بنیان نظری مدل سوئدی را می‌توان در ایده کینز درباره "اجتماعی سازی سرمایه گذاری" یافت. این مدل علیرغم نرخ بالای مالیات بر سود، به شدت سرمایه گذاری خصوصی را تشویق کرد. به شرکت‌ها اجازه داد که "سود مالیات دررفته" شان را در "صندوقهای سرمایه گذاری"، که از مالیات معاف بودند، ذخیره کنند و به این ترتیب مشوقی برای انباشت سرمایه بود. تأسیس صندوقهای سرمایه گذاری در واقع به سال ۱۹۳۸ بازمی‌گردد. این صندوقها مقدمتاً نه برای اجتماعی سازی واقعی سرمایه گذاری، بلکه به عنوان ابزاری علیه چرخه رونق-رکود-بحران به کار گرفته شدند. در سال ۱۹۸۳، پنج صندوق منطقه‌ای مستقل با حضور نمایندگان اکثریت کارفرمایان ایجاد شدند، که کارمزد دریافت می‌کردند. بودجه این صندوقها از طریق مالیات بر سود و وجوه دولتی، با تعهد سرمایه گذاری در شرکتهای سوئدی در بازار ریسک تأمین می‌شد. تا سال ۱۹۹۰، این صندوقها حدود ۵ درصد ارزش کل سهام بازار در اختیار داشتند و هر کدام از آنها از نظر اندازه مشابه یک "سهامدار نهادی" (institutional shareholder) خصوصی متوسط بود. به منظور دستیابی به اجتماعی شدن جزئی وسائل تولید، قرار بود که این صندوقهای کارمزدی به تدریج مالکیت را به اتحادیه‌های کارگری (و نه به دولت) واگذار کنند. علیرغم موفقیت دوره آزمایشی، در سال ۱۹۹۱ بودجه صندوقها توسط دولت محافظه کار سوئد لغو شد.

نرخ بیکاری تا اواخر دهه ۸۰ قرن گذشته زیر ۳ درصد باقی ماند، اما به گفته مایک مارشال (Mike Marshall)، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با ظهور اتحادیه‌های یقه سفید، که مخالف کاهش اختلاف دستمزدها بین صنایع پرسود و کم سود بودند، و نیز همچنین حرکت به سمت چانه زنی محلی و غیرمتمرکز، وحدت منافع کارگران شروع به محو شدن کرد. این روند با برچیدن صندوقهای کارمزدی توسط دولت محافظه کار در سال ۱۹۹۱، شکست جنبش کارگری در جلب حمایت سیاسی لازم برای پروژه "اجتماعی سازی سرمایه گذاری" و همچنین جایجایی بسیاری از شرکت‌های سوئدی، که حالا دیگر آزادانه در جستجوی نیروی کار ارزاتر و سود بیشتر از جایی به جای دیگر حرکت می‌کردند، تکمیل شد. میزان بیکاری در ژوئیه ۱۹۹۳ به رکورد ۹.۶ درصد رسید و از آن زمان تا حالا بین ۴ تا ۷ درصد در نوسان بوده، که دامنه نسبتاً بیگانه‌ای با سنت اشتغال کامل در سوئد است.

## اتحاد، همبستگی، تشکل ضامن پیروزی است!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری  
!حمایت کنیم

از مبارزات کارگران و مزد بگیران علیه قراردادهای موقت و پیمانی حمایت کنیم!



## اعتراضات برای افزایش دستمزد در حال ثمر دادن است صادق



عمر افزایش مزد ۱۰ درصدی دولت ظاهراً قرار نیست بیش از سه ماه طول بکشد. این البته نظر به گرانی دم افزون قیمت‌ها موفقیت بزرگی برای مزد و حقوق بگیران نیست و زودتر از آنکه انتظار می‌رود توسط اژدهای گرانیها بلعیده خواهد شد، ولی در هر صورت یک موفقیت هر چقدر هم کوچک باشد، بهر حال موفقیت محسوب می‌شود و گامی است به سوی موفقیت‌های بیشتر و اساسی‌تر و یادآور این واقعیت که هر موفقیتی ثمره مبارزه است و مبارزه همیشه سودمند است و نتیجه بخش!

تصمیم دولت به افزایش ۱۰ درصد به حقوق کارکنان دولت در سال ۱۴۰۱ با اعتراض و خشم اکثر قریب به اتفاق کارکنان و کارگران ادارات و موسسات دولتی روبه‌رو شد. به محض اعلام این خبر چند اعتصاب و تجمع اعتراضی نسبت به این تصمیم دولت شکل گرفت و شرکت‌کنندگان در آنها خواستار افزایش حقوق و دستمزدهای خود متناسب با هزینه‌های واقعی زندگی شدند.

اعتراضات از کارکنان پست شروع شد و تا کارکنان دادگستری امتداد یافت. کارکنان بعضی از ادارات از جمله کارکنان قوه قضاییه که کمتر کسی انتظار داشت در اعتراضات شرکت کنند، بیش از یک بار به اعتراض خیابانی متوسل شدند.

در واقع در شرایطی که نرخ تورم رسمی ۴۰ درصد و تورم خوراکی‌ها تا ۶۰ درصد بالا رفته بود و همه در انتظار وعده پر کردن سفره‌ها که از طرف رئیسی داده شده بود را داشتند در مخیله شان نمی‌گنجید که دولت بخواهد حقوق آنان را ۳۰ درصد کمتر از نرخ تورمی که خودش اعلام کرده بود افزایش دهد. در واقعیت امر دولت تصمیم به کاهش حقوق‌ها گرفته بود، اگر نه ۱۰ درصد افزایش در موفقیت تورم ۴۰ درصدی مگر غیر از کاهش ۳۰ درصدی قدرت خرید است؟

دولت به این هم اکتفا نکرد، عیدی کارکنان و کارگران دولت را هم کم کرد و چون دیدند اعتراض خیلی جدی نشد، فکر کردند اگر روی ۱۰ درصد افزایش دستمزد هم به ایستند و وقعی به اعتراضات نگذارند، آن را هم مانند قضیه عیدی می‌توانند تثبیت کنند وگویا قضیه با چند اعتراض ختم به خیر می‌شود و در عوض میلیارد میلیارد پول از این راه نصیب دولت می‌شود تا آن را خرج مسجد و منبر و سازمان تبلیغات اسلامی و بسیج و امر به معروف کنند. از این



آسانتر و ارزانتر و از جیب مردم نمی شد وابستگان و پاسداران امنیتی و مسلکی حکومت را سیر و راضی نگه داشت.

فراموش کردند که مردم غیر قابل پیشبینی هستند و خیلی زود از این رو به آن رو ممکن است بشوند و هرچه را که برایشان صاحبان قدرت رشته‌اند پنبه کنند.

روسای ادارات بعد از مدت کوتاهی پی بردند که کارکنان شان در شرف طغیان هستند و اگر زودتر کاری نکنند، از آن چه می ترسیدند ممکن است هر آن به سرشان بیاید. کار اعتراض در میان کارکنان و کارگران چنان بالا گرفت که دامنه آن به کارمندان ادارات کار هم کشیده شد و آنها نیز تجمع اعتراضی برپا نموده و حتی در یزد تهدید به استعفا کردند و تا وقتی از وزیر کار قول مساعد برای افزایش حقوق شان نگرفتند به سر کارهایشان برنگشتند.

در هفته گذشته نمایندگان شوراهای اسلامی در شهرداریها که نقش گوش و چشم صاحبان قدرت و ثروت را به عهده دارند، جلسه ای تشکیل دادند تا یک طوری به دولت حالی کنند که نارضایتی در میان ۱۲۰ هزار کارگر شهرداری به حدی رسیده که اگر زودتر کاری برایشان نکنید اعتصاب می کنند. حاصل جلسه ی آنها نوشتن یک عرض حال و شکایت به دیوان عدالت اداری برای افزایش دستمزد کارگران شهرداری طبق مصوبه مزدی شورای عالی کار بود.

از آن بدتر امتناع کارفرمایان بخش خصوصی از افزایش دستمزدها مطابق مصوبه شورای عالی کار بود. البته آنها همیشه در مورد افزایش مزد دبه در می آورند، اما بهانه امسال شان این بود که اگر دولت خودش تصمیم گرفته ۱۰ درصد بیشتر به حقوق و دستمزد کارکنان و کارگران خودش اضافه نکند، ما چرا باید ۲۸ درصد و ۵۷،۴ درصد به دستمزد کارگران مان اضافه کنیم.

قضیه وقتی بیشتر بیخ پیدا کرد که اعتصاب و اعتراض در میان کارگران پیمانکاری ها و شرکتهای خصوصی که از اعمال دستمزد مصوب طفره رفته بودند شروع شد و شدت پیدا کرد.

حال اگر اعتراض معلمان، پرستاران و بازنشستگان را که در واقع خواسته اصلی آنان نیز مانند بقیه افزایش حقوق است و مدتهاست که مشغول اعتراض و اعتصاب هستند را به گروه های نامبرد بیفزاییم، خواهیم دید که خواست افزایش دستمزد و تشدید مبارزه برای آن خواستی همگانی و سراسری که از کارگر گرفته تا معلم، کارمند، و پزشک و بازنشسته همه خواهان آن هستند و حاضرند برای آن اعتصاب و اعتراض و مبارزه کنند.

به جز ماه های منتهی به انقلاب بهمن ۵۷، سابقه نداشته که همه گروه های مزد و حقوق بگیر برای افزایش دستمزد و حقوق این چنین هم داستان و هم رای شده باشند.

در میانه این هفته سایت تسنیم از طرحی که توسط ۷ وزیر برای بررسی مجدد دستمزد و حقوق ها تهیه شده و در حال بررسی است خبر داد. وزیر کار نیز چند روز پیش از آن گفت اگر کارفرمایی دستمزد مصوب شورای عالی کار را اجرا نکند جریمه خواهد شد.

دو هفته پیش عده زیادی از رانندگان و کارگران شرکت واحد با یک اعتصاب دو روزه که به افزایش ۴۰ درصدی حقوق شان منجر شد نخستین ضربه کاری را بر مصوبه دستمزد دولت که در واقع دست پخت مشترک دولت و مجلس بود زدند. متعاقب آن تشکلهای وابسته به قدرت همچون، شوراهای اسلامی، خانه کارگر و حزب اسلامی کار نیز وارد معرکه شدند بلکه از این نمذ برای خودشان کلاهی بدوزند. خلاصه اینکه عمر افزایش مزد ۱۰ درصدی دولت ظاهرا قرار نیست بیش از سه ماه طول بکشد. این البته نظر به گرانی دم افزون قیمتها موفقیت بزرگی برای مزد و حقوق بگیران نیست و زودتر از آنکه انتظار می رود توسط اژدهای گرانیها بلعیده خواهد شد، ولی در هر صورت یک موفقیت هر چقدر هم کوچک باشد، بهر حال موفقیت محسوب می شود و گامی است به سوی موفقیت های بیشتر و اساسی تر و یادآور این واقعیت که هر موفقیتی ثمره مبارزه است و مبارزه همیشه سودمند است و نتیجه بخش!

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!**

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



## پیکر ۱۴ کارگر جان باخته از زیر آوار بیرون آورده شد

پیکر ۱۴ کارگر جان باخته تا روز دوشنبه این هفته از زیر آوار برج مترویل آبادان بیرون کشیده شده‌اند. از سرنوشت بقیه ۵۰ کارگری که هنگام ریزش گفته می‌شود در داخل ساختمان مشغول به کار بوده‌اند، هنوز خبری منتشر نشده است. اکثر کارگران جان باخته از اهالی جزیره مینو بودند.

## اعتصاب و اخراج مدیر عامل کارخانه آذربایک توسط کارگران

بالاخره صبر و بردباری کارگران آذربایک در مقابل وعده‌های توخالی و سرخرمنی مسئولین و مدیرعامل کارخانه آذربایک به سر رسید و کارگران بعد از تحمل دوماه بی حقوقی و امتناع مدیریت از تمدید قرارداد های کاری شان مبادرت به اعتصاب کردند. کارگران که از مدیر عامل دل خوشی نداشتند پس از اخراج وی از کارخانه درب دفتر مدیر را قفل و پلمپ کردند و عملاً کنترل کارخانه را به دست گرفتند. اعتصاب کماکان ادامه دارد و از بازگشت مدیر عامل تا کنون جلوگیری شده است. رئیس شورای اسلامی که نتوانسته بود از اقدام کارگران جلوگیری کند پس از یک تلاش ناموفق برای به سر کار برگرداندن کارگران و برداشتن پلمپ دفتر مدیریت از مدیریت خواست قراردادهای کارگران را تمدید کند.

## اعتصاب کارمندان مخابرات در زنجان

کارمندان شرکت مخابرات زنجان در ۱۱ خرداد اعتصاب و تجمع کردند. علت اعتصاب پرداخت نشدن حقوق و مطالبات و خواست کارمندان اعتصابی پرداخت منظم و به موقع حقوق هایشان است. در ۱۰ خرداد نیز کارگران مخابرات ایلام به دلیل پرداخت نشدن به موقع مطالبات مزدی خود اعتصاب کردند.

## ادامه اعتراض کارگران مجتمع نیشکر کارون

کارگران مجتمع نیشکر کارون که از ۱۰ خرداد اعتصاب کرده اند در ۱۱ خرداد با تجمع در مقابل ساختمان اداری این مجتمع بر ادامه اعتراض خود تا موافقت با خواسته هایشان تاکید کردند. انعقاد قرار داد مستقیم شرکت با کارگران و



تبدیل وضعیت استخدامی، همسان سازی و تغییر مدیر مجتمع از مهمترین خواسته های کارگران هستند. حضور نماینده گانی از طرف سهامداران و بانک کشاورزی و دادن وعده به کارگران برای رسیدگی به خواسته هایشان نیز نتوانست کارگران معترض را از ادامه اعتراض شان بازدارد. کارگران گفتند از این وعده ها بسیار به ما داده شده که تا کنون به هیچ کدامشان عمل نکرده اند. کارگران خواستار عمل بجای دادن وعده شدند.

## اعتصاب کارگران انبیه فنی راه آهن منطقه زاگرس و لرستان

کارگران انبیه فنی راه آهن که وظیفه تعمیر و ترمیم و راه اندازی خطوط راه آهن را به عهده دارند با درخواست افزایش دستمزد مصوب شورای عالی کار و اعتراض به امتناع شرکت پیمانکاری تراوس که این کارگران برایش کار میکنند از اعمال افزایش دستمزد قانونی از دوشنبه این هفته تا روز گذشته در اعتصاب هستند.

کارگران این شرکت در راه آهن قزوین "شمال ۲" و کارگران راه آهن خراسان نیز با خواسته ها و دلایل مشابه همکاران شان در شرکت تراوس لرستان در ۹ و ۱۰ خرداد اعتصاب کردند.

کارکنان شرکت مخابرات زنجان و ایلام در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق و مطالبات شان و با خواست پرداخت مطالبات معوقه شان در ۱۱ خرداد اعتصاب و در مقابل اداره مرکزی شرکت مخابرات در این دو شهر تجمع کردند.

## هزاران کارگر شهرداری در آستانه اعتراض به اضافه نشدن افزایش دستمزد

نارضایتی و اعتراض نسبت به اعمال نشدن دستمزد ۵۷،۴ و ۲۸ درصدی مصوب شورای عالی کار در فیش های حقوقی کارگران زحمتکش شهرداری با وجود گذشت نزدیک به سه ماه از سال و افزایش جهشی قیمت ها توسط دولت هزاران کارگر شهرداریها را در آستانه اعتصاب قرار داده است. نمایندگان شوراهای اسلامی حکومتی برای جلوگیری از اعتصاب کارگران معترض شهرداریها در این هفته جلسه ای تشکیل دادند و در پایان جلسه شکایتی را در این خصوص تنظیم و برای دیوان عدالت اداری فرستادند و از کارگران خواستند منتظر رسیدگی دیوان عدالت اداری بمانند! حواله دادن کارگران به دیوان عدالت اداری در شرایطی صورت می گیرد که به گفته حسن حبیبی یکی از رهبران شوراهای اسلامی تا کنون بیش از ۲۰۰ شکایت مشابه برای دیوان عدالت اداری فرستاده شده که جواب نگرفته اند.

## تجمع باز نشستگان در چند شهر

بازنشستگان تامین اجتماعی جزء گروه هایی هستند که هنوز افزایش حقوق سالیانه مصوب را در یافت نکرده اند. آنها که از پیش نیز بر سر همسان سازی و بیمه تکمیلی معترض بودند حالا اعتراض شان بیشتر شده است. بهمین خاطر در روزهای یکشنبه و سه شنبه این هفته، بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز، تهران، تبریز، رشت و زنجان ... بار دیگر با برگزاری تجمعات اعتراضی مقابل دفاتر تامین اجتماعی خواستار واریز کردن مبلغ افزایش حقوق مصوب شورای عالی کار اجرای درست همسان سازی و بیمه درمانی کارآمد و رایگان شدند. گفتنی است که در سالهای گذشته طبق قانون کار مبلغ افزایش دستمزد تصویب شده برای کارگران شامل حال بازنشستگان نیز می شد، اما امسال دولت رئیسی و مجلس دارند تلاش می کنند مبلغ کمتری به حقوق بازنشستگان اضافه کنند و هنوز هم در مورد آن ظاهرا تصمیمی نگرفته اند و بازنشستگان را مانند توپ فوتبال به همدیگر پاس می دهند و هر یک دیگری را مقصر می خواند. باید توجه داشت که مبلغ مصوب شورای عالی کار در صورتی که بی چک و چانه هم پرداخت می شد، نظر به افزایش نجومی قیمت ها تاثیر چندانی در بهبود وضعیت معیشتی بازنشستگان و کارگران ندارد و در واقع ما با موج جدیدی از اعتراضات معیشتی در ماه های آینده روبرو خواهیم شد. مگر اینکه دستمزدها حداقل به اندازه قیمت جدید کالاها و هزینه های زندگی افزایش داده شود.

## اعتراضات دولت را در موقعیت عقب نشینی قرار داده است

اعتراض به افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارمندان و بازنشستگان بسیار گسترده است و هر آن احتمال اعتصاب و اعتراض تازه ای می رود. کار به جایی رسیده که کارکنان ادارات کار در شهرهای مختلف به اعتراض علیه افزایش ۱۰ درصدی دستمزد برخاسته اند. کارکنان اداره کار هفته گذشته به اعتراض صرف هم بسنده نکرده و برای نشان دادن جدیت شان اعلام استعفای دسته جمعی کردند. نارضایتی و حالت اعتراضی مربوط به یک یا چند گروه شغلی خاص نیست. همه کارکنان دولت به استثنای یک درصد کوچکی که حقوق های ۲۰ میلیون به بالا می گیرند در آستانه اعتراض هستند. اعتراضاتی دومیوار! بهمین جهت دولت ظاهرا در فکر تجدید نظر در مصوبه مفتضح افزایش حقوق بر آمده است. به نوشته روزنامه تسنیم ۷ نفر از وزیران طرح تازه ای را بهمین منظور تهیه کرده اند که در دست بررسی





قرار دار دارد. مبلغ افزایش تازه و چگونگی آن هنوز ناروشن است ولی اینکه افزایش دستمزد را بیشتر کنند، تقریباً محرز می نماید و به نظر می رسد راه دیگری به غیر این ندارند.

## نوع تازه‌ای از اعتراض برای افزایش دستمزد

کارکنان راهبر متروی تهران از امروز با خواست افزایش دستمزد سرعت قطارها را کم کردند

گزارش ایلنا

منابع کارگری در شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران به خبرنگار ایلنا گفتند: کارکنان راهبر متروی تهران که حدود دوهزار نفر هستند طی چند ماه گذشته به عدم اجرای مصوبه شورای عالی کار از سوی مسئولان شهری معترض هستند. به همین دلیل راهبران که با ادامه بی‌توجهی مسئولان شهری و شرکت بهره‌برداری راه آهن شهری تهران مواجه شده‌اند، صبح امروز در اعتراض به تعلل شهرداری تهران برای افزایش حقوق، سرعت قطارهای خود را به نشانه اعتراض پایین آوردند.

## اخراج سه راننده بخاطر بردن شکایت از دستمزد نزد استاندار

به گزارش خبرنگار ایلنا، منابع کارگری از عدم تمدید قرارداد سه نفر از رانندگان پتروشیمی شازند به دلیل اعتراض به وضعیت دستمزدهایشان خبر دادند.

به گفته‌ی این کارگران، رانندگان مذکور در اعتراض به پایین بودن دستمزدهای خود به استانداری نامه‌ای نوشتند و به دنبال این نامه، استانداری از مدیریت جواب خواست و همین موضوع باعث عدم تمدید قرارداد این کارگران شد.

## تورم ۲۰ کالای خوراکی در اردیبهشت از تورم کل سالانه بیشتر شد

### افزایش تورم کالاهای خوراکی

مرکز آمار ایران در گزارشی به روند افزایش قیمت‌ها در کالاهای خوراکی طی دومین ماه ۱۴۰۱ پرداخته و عنوان کرده که در اردیبهشت‌ماه امسال از مجموع ۵۳ قلم کالای خوراکی منتخب در نقاط شهری، ۳۰ قلم درصد تغییر سالانه‌ای بالاتر از تورم نقطه کل کشور داشته‌اند. به عبارت دیگر تورم ۲۰ کالای خوراکی از ۳۹٫۲ درصد بالاتر رفته است.

## اعتراض معلمان در مریوان به زندانی کردن همکاران شان

معلمان مریوان پار دیگر باشرکت در یک اعتراض دسته جمعی در ۹ خرداد به زندانی کردن همکاران شان اعتراض و خواستار آزادی آنان شدند.

در این تجمع که در مقابل بیدادگاه مریوان برگزار شد معلمان معترض نسبت به بازداشت اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه و پرونده سازی امنیتی برای این سه معلم و فعال صنفی با مشارکت صدا و سیما اعتراض نموده و خواهان آزادی هر سه همکار شان شدند.

## اعتراض معلمان در سنندج

در همین روز اعتراض مشابه دیگری از طرف معلمان این شهر برگزار شد. معلمان سنندجی نیز در تجمع خود ضمن اعتراض به بازداشت و در زندان نگاه داشتن همکار خود خواستار آزادی فوری آنان شدند.

## تائید احکام محکومیت رسول بدافی در بیدادگاه تجدید نظر

تائید احکام صادره علیه رسول بدافی در بیدادگاه تجدید نظر از پیش محرز بود



احکام صادره به غیر از اینکه بر پایه اتهامات ساختگی صادر شده و فاقد اساس است کاملاً محاسبه شده و برای جلوگیری از هر نوع فعالیت بدافی در نظر گرفته شده. اساساً همه این بساط برای محروم کردن بدافی از حقوق شهروندی و انسانی اش چیده شده و گرنه حتی مطابق اصول ۲۶، ۲۷ و ۳۰ قانون اساسی خود رژیم آقای بدافی مرتکب جرمی نشده که قابل پیگرد قانونی باشد. ولی چه می شود کرد وقتی مردم با رژیمی سروکار دارند که قوانینی که ذره‌ای متضمن حقوق شهروندان باشد را هم بر نمی‌تابد! با این همه صدور چنین احکامی نه تازگی دارد و نه توانسته مانع از رشد و گسترش مبارزات آزادیخواهانه مردم گردد. مبارزه علیه استبداد و بی‌عدالتی رژیم تبهکار! عمق و گسترش پیدا می‌کند

گزارش کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان را ببینید

بر اساس توثیقی از رامین صفرنیا وکیل رسول بدافی حکم تجدید نظر این معلم زندانی صادر شد و دادگاه تجدید نظر عیناً رای دادگاه بدوی را تایید کرده است.

بر اساس این رای، رسول بدافی کنشکر صادق و نستوه جامعه معلمان ایران بابت اتهام اجتماع و تبانی به چهار سال حبس، بابت فعالیت تبلیغی به یک سال حبس محکوم شده است. در کنار این پنج سال حبس، رسول بدافی به منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و استان‌های هم‌جوار به مدت دو سال محکوم شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت شدید این حکم معلم ستیزانه هشدار می‌دهد که در افتادن با جامعه معلمان و نمایندگان شایسته‌ی آن و صدور احکام سنگین خللی در مسیر مطالبه‌گری معلمان ایجاد نمی‌کند. راه حل اساسی برای عبور از بحران‌های پی‌در پی، بازگشت امور به مدار قانون و احترام به حقوق شهروندی در چارچوب اصول متعدد قانون اساسی و به ویژه فصل دوم و سوم است.

## ۹ تن از معلمان و فعالین صنفی شیراز همچنان اسیر در زندان

اسامی معلمان زندانی شیرازی در زندان را که در کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان درج گردیده و معلمان خواستار آزادی آنان شده‌اند ببینید:

همکارانمان .

مژگان باقری

محمد عالیشوندی

اصغر امیرزادگان

غلامرضا غلامی\_کندازی

حمید عباسی

عبدالرزاق امیری

محمد علی زحمتکش

ایرج رهنما

را آزاد کنید

فراخوان یک گردهمایی برای همبستگی با سندیکالیست‌ها و معلمان در ایران



## میدان ملل، ژنو، جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲

به مناسبت کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، ما تشکلات سندیکایی امضا کننده این فراخوان، همه را به شرکت در یک تظاهرات ایستاده در روز جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ در مقابل مقر سازمان ملل متحد در ژنو فرا می خوانیم از این طریق این سازمان ها اعتراض خود را نسبت به اقدامات سرکوبگرانه اخیر مقامات جمهوری اسلامی ایران به گوش همگان می رساند.

در روزهای اخیر موج عملیات سرکوب گسترده ای علیه کارگران، معلمان و سایر مزدبگیران به راه افتاده است. یک سلسله دستگیری ها، احضارها و بازداشت ها به اتهامات کاملاً واهی و ساختگی به وقوع پیوسته اند.

جمهوری اسلامی ایران از تصویب بسیاری از متون اساسی سازمان جهانی کار، از جمله متون مربوط به آزادی تشکیل اتحادیه های کارگری، حمایت از حقوق سندیکایی و مذاکرات جمعی (کنوانسیون های ۸۷ و ۹۸) خودداری کرده است.

به هر حال، این دولت رسماً عضو این سازمان است و این که برخلاف استانداردها و تصمیمات این نهاد عمل می کند به هیچ وجه قابل توجیه نیست.

از سوی دیگر ایران دو میثاق بین المللی حافظ عمده حق تشکیل اتحادیه های کارگری، پیوستن به اتحادیه ها و ملاقات با اتحادیه های کارگری کشورهای دیگر را امضا کرده است:

ماده ۲۲؛ (ICCPR) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی -

، ماده ۸ (PIDESC/ICESCR) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی -

با وجود این، دولت ایران ده ها نفر را که در چارچوب این دو متن امضا شده توسط دولت ایران، عمل می کنند سرکوب می کند.

برای حمایت از سندیکالیست های و معلمان دستگیر شده و در جهت آزادی فوری آن ها ما تظاهرات ایستاده ای ترتیب می دهیم.

جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ از ساعت ۱۲ صبح در مقابل کاخ ملل در ژنو

فرانسه - (CGT) کنفدراسیون عمومی کار

فرانسه - (FSU) اتحادیه اتحادیه های کارگری

فرانسه - (Solidaires) اتحادیه کارگری همبستگی

فرانسه - (UNSA) اتحادیه ملی اتحادیه های کارگری خودمختار

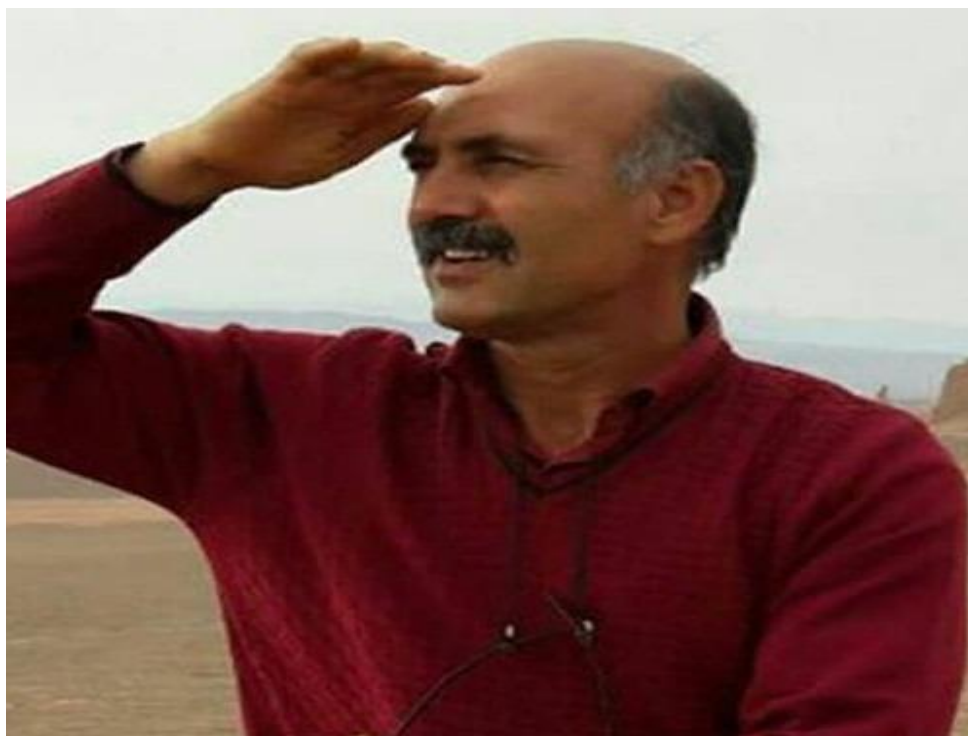
با حمایت

سوئیس - (CGAS) سندیکای ژنو

سوئیس - (SSP) سندیکای خدمات عمومی ژنو

**از مبارزه معلمان برای آزادی فعالین صنفی معلمان از زندان حمایت کنیم!**

**همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و کلیه زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم**





● رضا شهابی و حسن سعیدی دو عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه نزدیک به یک ماه است در بند ۲۰۹ زندان اوین تحت بازجویی های طولانی و متعدد بازجویان وزارت اطلاعات قرار دارند و شرایط جسمانی خوبی ندارند.

این دو فعال سندیکایی بارها به دلیل فعالیت های سندیکایی و کارگری توسط عوامل امنیتی بازداشت شده اند.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**[sabosob@gmail.com](mailto:sabosob@gmail.com)**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

**می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**